

# مشرح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۶۱/۴/۱۵ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۳

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۱۳



پژوهشکده شورای نگهبان

## شناسنامه

عنوان:

**مشروح مذاکرات شورای نگهبان**  
**جلسه مورخ ۱۳۶۱/۴/۱۵ شورای نگهبان**

ویراستار و مستندساز:

**سید محسن طاهری**

ناظر علمی:

**دکتر محمد بهادری جهرمی**

**گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان**

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۱۳

پژوهشکده شورای نگهبان



## جلسه مورخ ۱۵/۴/۱۳۶۱ شورای نگهبان

### فهرست مطالب

۲	.....مقدمه
۳	..... اصل (۱۳۹) قانون اساسی
۳۱	..... منابع:

## مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

## اصل (۱۳۹) قانون اساسی

**آقای مهرپور:** ...<sup>(۱)</sup> می‌خواهم عرض کنم این مسئله‌ای که شما می‌فرمایید، الزاماً طبعش این نیست که اگر [قرارداد بین‌المللی‌ای در مجلس] تصویب شد، حتماً ارجاع به داوری هم در آن باشد؛ عرف بین‌الملل سرمایه‌داری این‌گونه است. آن روز هم آن آقای رئیس‌بیمه که اینجا بود، گفت ما اگر واقعاً بخواهیم به این عمل کنیم، ضرر می‌کنیم و بایستی بیمه را جمع کنیم. حتی ما پرسیدیم که آیا در جاهای دیگر هم این‌گونه هست یا نه، که ایشان کوبا و یکی دو کشور دیگر را مثال زد. یادم هست که گفت کوبایی‌ها هم همین گرفتاری را دارند که برای ارجاع پرونده‌ها به داوری، باید مجلسشان تصویب کند و برای همین همیشه عقب هستند و نمی‌توانند در این چیزهای بیمه [= مکانیزم‌های داوری بین‌المللی] به‌راحتی شرکت کنند. بنابراین این‌طور نیست که اگر قانونش تصویب شد،

۱. بر اساس اصل (۱۳۹) قانون اساسی، «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند». در سال‌های آغازین پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیاری از نهادها و سازمان‌های دولتی با مشکل ارجاع دعاوی به داوری از سوی طرف‌های خارجی قراردادهایی مواجه بودند که پیش از انقلاب و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منعقد شده بودند. برخی از قراردادهای مشابه نیز در مرحله‌ی اجرا به مشکلاتی برخورد کرده بود که لازمه‌ی حل و فصل آنها ارجاع دعوا به داوری از سوی طرف ایرانی بود؛ از این رو درخواست‌های متعددی برای تفسیر اصل (۱۳۹) به شورای نگهبان می‌رسید و با این پیش‌زمینه که جمهوری اسلامی بسیاری از آن قراردادهای پس از انقلاب و پیش از تصویب قانون اساسی نیز تأیید کرده است، پرسش اصلی بیشتر آنها این بود که آیا اکنون برای ارجاع به داوری «رعایت اصل یادشده و اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی ضرورت دارد یا خیر؟»

در این جلسه نیز چند فقره از این استعلام‌ها و استفسارها که مضمون مشترکی داشته‌اند، در دستور بررسی اعضای شورا قرار داشته و البته آن‌گونه که از مستندات موجود می‌توان دریافت، شورای نگهبان در این جلسه و بلکه پس از آن نیز درباره‌ی جنبه‌ی مورد بحث از اصل (۱۳۹) به نظر تفسیری نرسیده است. البته این شورا در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳ و در پاسخ استفسار نخست‌وزیر وقت اعلام کرد که «بر حسب اطلاق اصل (۱۳۹) قانون اساسی در مورد موافقت‌نامه‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هرچند در آنها ارجاع به داوری پیش‌بینی شده باشد، مقررات اصل مذکور باید رعایت شود.» لیکن از آنجا که سه‌چهارم آرای مورد نیاز برای تفسیر در این مورد به دست نیامده بود، نظر یادشده نه به‌عنوان «تفسیر»، بلکه به‌عنوان «نظر اکثریت» اعلام شد ...

بگوئیم الزماً آن را [= ارجاع به داوری را] تصویب کرده‌اند. خوب هر کشوری مقررات خودش را دارد. کشورهای دیگر این گرفتاری را ندارند؛ اما کشورهایی که چنین چیزی در قانون اساسی شان باشد، این گرفتاری را دارند.

**آقای محسن هادوی:** حالا نوبت خود بنده است. درباره‌ی این مسئله، این طور نیست که آقایان می‌فرمایند موضوع منتفی شد و ما جوابش را دادیم و تمام شد. در جلسه‌ی مورخ ۶۰/۱۰/۳ که رئیس کل [بیمه] یا قائم‌مقامش به اینجا آمدند و درباره‌ی بیمه صحبت کردند، قرار شد که بعداً شور و بحث و مذاکره کنیم و جواب مقتضی را به ایشان بدهیم. یعنی گفتیم فعلاً شما بروید کارهایتان را انجام بدهید تا ما جواب کتبی به شما بدهیم و ما هنوز جواب نداده‌ایم. این قرار خودمان بود و پای صورت‌مجلس را هم امضا کردیم که باید جواب بدهیم. به‌علاوه، بنده با اینکه ما بخواهیم این‌گونه با مسائل مملکتی برخورد کنیم که یک نامه‌ی رسمی به اینجا بیاید و ما به جای اینکه جواب رسمی بدهیم، به‌گونه‌ای قانعشان کنیم، مخالفم. اگر واقعاً به این نتیجه رسیدیم که جواب همین است که آقای دکتر افتخار فرمودند، همین را رسمی کنیم. همان که آقای صافی گفتند. گفتند مثلاً شما اول بروید قراردادهایتان را تنظیم کنید و بعد اگر اتفاقی افتاد و خواستید بروید و دعوا کنید، در آن مورد بروید اجازه بگیرید. خوب اگر این است، ما به‌صراحت همین را بنویسیم. ما باید مسائل را حل کنیم. این قانون اساسی ابهاماتی دارد که برای مملکت مشکلاتی پدید آورده است. شورای نگهبان برای این است که این مسائل را حل کند. اگر ما هم بخواهیم مثل دیگران همین‌طور طفره برویم، مملکت ضربه می‌خورد. مثل بعضی از دادگاه‌ها که دیر رأی می‌دهند و صدور رأی را دو سال و سه سال طول می‌دهند. و تمام ضربه‌هایی که مردم می‌خورند، از این تأخیرها است و این بلا تکلیفی‌ها که معطلشان کرده است. تکلیف خودشان را نمی‌دانند و نمی‌توانند تصمیمی بگیرند. اعتقاد من این است که ما تصمیمی را که باید بگیریم، بگیریم و مسئله را برای مردم و برای مأموران اجرا روشن کنیم تا در ابهام و بلا تکلیفی نمانند و بتوانند قاطعانه تصمیم بگیرند و پیش بروند. بنابراین من معتقدم درباره‌ی این موضوع و موضوعات دیگر که اگر اجازه بفرمایید، آنها را هم بخوانیم و ببینیم سؤالاتی که شده چیست، یک تصمیمی بگیریم.

**آقای مهرپور:** اینها را یکی یکی بحث کردیم.

**آقای محسن هادوی:** می‌دانم؛ آخر چون این «یکی یکی» مربوط به یک اصل می‌شود، ما می‌خواهیم ببینیم چند تا از این سؤالات شبیه هم هستند وجه شبیه دارند و چند تا ندارند.

**آقای مهرپور:** فرق می‌کند؛ شما می‌گویید جوابی که ایشان داد، با آن فرق دارد.

**آقای محسن هادوی:** خوب فرق دارد. حالا نوبت جناب عالی که شد، روشن خواهد شد. پس این نامه که جوابش هنوز داده نشده است و نامه‌ی دیگری هم از وزارت نفت هست که من خلاصه‌اش را عرض می‌کنم.

**آقای مهدوی گنی:** بالأخره آن نامه‌ی اول چه شد؟ تمام شد؟

**آقای محسن هادوی:** نه، عرض کردم که می‌خواهم اولی را به اجمال بگویم. چون این چهار پنج تا با هم ارتباط دارند و شبیه هم هستند، شما همه‌ی اینها را با هم بسنجید.

**آقای مهرپور:** آقای دکتر، شما ترجمه‌ی فارسی اینها را نمی‌خواهید بیاورید؟

**آقای محسن هادوی:** من فعلاً این را می‌خواهم مطرح کنم. آقای نمازی<sup>(۱)</sup> مرتب دارند سؤال می‌کنند.

**آقای مهدوی گنی:** آقا، ایشان دبیر جلسه هستند و دستور جلسه را معین می‌کنند. خودشان بفرمایند. اگر نظم می‌خواهید، ایشان باید بگویند.

**آقای مهرپور:** اشکالی ندارد؛ ما یک تذکری داریم که می‌خواهیم بدهیم. من می‌خواهم پیش مطالعه کنم تا آماده بشوم.

**آقای محسن هادوی:** آماده است. من خلاصه برداشته‌ام و مطالب اصلی را هم نوشته‌ام. می‌خواهید از رویش بخوانم؟

**آقای مهرپور:** پیش‌نویس جوابی که برای وزارت نفت آماده کرده بودیم را دارید؟

**آقای محسن هادوی:** بله.

**آقای مهرپور:** نوشتیم و آماده کردیم و آخرش هم گفتند مصلحت نیست! ببینید، نوشته است: «۶۰/۹/۱۸، خیلی خیلی فوری، شورای نگهبان. مستدعی است در تفسیر اصل (۱۳۹)<sup>(۲)</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظر شورای محترم نگهبان را اعلام

۱. احتمالاً منظورشان دکتر حسین نمازی، وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی بوده است.

۲. اصل (۱۳۹) قانون اساسی: «صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

فرمایند که آیا در مواردی که طرف خارجی قراردادها را شرکت‌های ابواب جمعی این وزارت علی‌رغم مخالفت این شرکت‌ها به داوری مراجعه می‌نمایند و شرکت‌های مزبور به [جهت رعایت] مصلحت و حفظ حقوق و منافع ایران مجبور به دخالت در داوری و پاسخ‌گویی می‌باشند، رعایت اصل یادشده و اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی ضرورت دارد یا خیر؟ نظر به اینکه داوری‌هایی علیه شرکت‌های ابواب جمعی این وزارت در جریان است، خواهشمند است در اعلام نظر تسریع فرمایند.»

**آقای افتخار جهرمی:** جوابی که آن روز نوشتیم و تصویب هم شد، هنوز رد نشده است.

**محسن هادوی:** جوابی که ما ندادیم.

**آقای مهرپور:** جواب نوشتیم آقای هادوی.

**آقای مهدوی کنی:** دیر استیضاح می‌شود!

**آقای محسن هادوی:** جواب داده نشده است. یعنی جوابی داده نشده که فرستاده بشود.

یعنی تصمیم به جواب دادن گرفته نشده است. صورت مجلس هست دیگر.

**آقای افتخار جهرمی:** متش اینجا تهیه شد و رأی گرفتیم؛ همه رأی دادند!

**آقای محسن هادوی:** خوب حالا صورت مجلس را می‌آوریم و می‌خوانیم.

**آقای مهدوی کنی:** صورت مجلسی [= مسئول تهیه‌ی صورت مجلس] که الآن اینجا نیست!

**آقای محسن هادوی:** هست. الآن آقای سرخه‌ای می‌آید.

**آقای مهدوی کنی:** آقا الآن نیست که بداند ما داریم چه می‌گوییم تا بعد همه را

بنویسد. فایده ندارد. آن آقا الآن باید اینجا بنشیند و هرچه مطلب اساسی هست، ضبط

کند. این می‌شود صورت مجلس. ایشان می‌آید خلاصه می‌کند و از شما می‌پرسد و

می‌نویسد و تمام می‌شود. اینکه نشد صورت مجلس. گفته‌اند «صورت مجلس»!

**آقای محسن هادوی:** عرض کنم که در اینجا باز آقای نمازی سؤال کرده‌اند. دو سه بار

هم سؤالشان را تکرار کرده‌اند. همه‌ی اینها هم مربوط به اصل (۱۳۹) است؛ «خواهشمند

است راهنمایی فرمایید که آیا مفاد اصل (۱۳۹) قانون اساسی ایران، که ارجاع به داوری

در موارد خارجی را منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران نموده، شامل مواردی

که شرکت‌ها طبق قراردادهای قبلی در موارد اختلاف می‌باید به این اتاق مراجعه نمایند،



می‌گردد یا خیر؟» یعنی قراردادهایی از قبل تنظیم شده و مجبورند بروند برای داوری. این هم یکی دیگر؛ دفتر بیانیه‌ی الجزایر<sup>(۱)</sup> در این باره سؤال کرده است.

**آقای مهرپور:** همین بود که جوابش را نوشتیم.

**آقای افتخار جهرمی:** بله، جوابش را نوشتیم.

**آقای محسن هادوی:** جوابش را نوشتیم، ولی در جلسه طرح نشده و رأی برایش گرفته نشده است.

**آقای افتخار جهرمی:** رأی گرفته شد.

**آقای محسن هادوی:** کی رأی گرفته شد؟! رأی گرفته نشد.

**آقای افتخار جهرمی:** آقا جان، اینجا برایش رأی گرفته شد.

**آقای محسن هادوی:** یکی هم سؤال وزارت راه و ترابری است. این هم عین همان است. یکی دیگر هم سؤال متروی تهران و عین همان است. حالا بنشینید جواب بدهید. آنچه که ما اینجا خلاصه کردیم، سه نوع سؤال است؛ یک نوع این است که مربوط به قراردادهایی است که قبل از تصویب قانون اساسی تنظیم شده است. یک نوع مربوط به قراردادهایی است که در حین تنظیمش دعوایی به وجود نیامده، ولی مجبورند این را در قراردادها ذکر نکنند. یک نوع هم مربوط به موردی است که بعد از تنظیم در قرارداد یا بدون اینکه در این مورد قراردادی موجود باشد، طرف دیگر به داوری ارجاع می‌کند و دولت ایران نمی‌داند تکلیفش چیست. ما باید به این سه مورد جواب صریح بدهیم. اگر جواب این سه را بدهیم، دیگر هر سؤالی که بیاید، مطابق همین جواب‌هایی که قبلاً داده‌ایم، به آنها هم جواب می‌دهیم. حالا یکی یکی درباره‌ی اینها بفرمایید. درباره‌ی آن اولی بحث می‌کنیم که آیا در قراردادهای قبلی که این مسئله ذکر شده و آن قرارداد از نظر قانون ایران و از نظر دولت ایران معتبر شناخته می‌شود، اگر به داوری ارجاع شد، تصویب مجلس هم لازم است یا لازم نیست؟ این را مطرح می‌کنیم. آقای مهدوی شما بفرمایید.

۱. بیانیه‌های الجزایر (Algiers Accords) قراردادی است که با میانجی‌گری کشور الجزایر، میان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ به امضا رسید و به ماجرای تصرف سفارت آمریکا در تهران پایان داد. این بیانیه‌ها دربرگیرنده‌ی دو اعلامیه‌ی دولت الجزایر است که یکی مربوط به آزادی گروگان‌های آمریکایی در تهران و دیگری مربوط به حل و فصل دعاوی این دو کشور از طریق ایجاد یک نهاد مرضی‌الطرفین به نام «دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا» می‌شود.

**آقای مهدوی کنی:** اگر قبلاً در قرارداد ذکر شده و قانونش هم لغو نشده و ما هم قراردادها را معتبر می‌شماریم، قاعدتاً باید [به مفاد قرارداد عمل شود] و قانون اساسی نمی‌تواند قراردادهای قبلی ما را ابطال کند. قوانین قبلی را ابطال کرده است، ولی قراردادها را ابطال نکرده است؛ بنابراین لااقل این منصرف<sup>(۱)</sup> از آن است و من نظرم این است که در مواردی که قرارداد بوده است، [به آنها عمل شود].

**آقای محسن هادوی:** آقای صانعی بفرمایید. ضبط صوتتان را هم روشن کنید.

**آقای صانعی:** بسم الله الرحمن الرحيم. ما اول باید ببینیم که چه کار می‌خواهیم بکنیم. یعنی آن نظری که می‌خواهیم بدهیم، یک نظر مشورتی است و تنها جنبه‌ی مشورتی دارد، یا یک نظر قانونی است. و بعد اگر گفتید نظر قانونی است، آیا به‌عنوان تفسیر قانون است یا به‌عنوان تبیین مفاد قانون اساسی. چه می‌خواهیم بکنیم؟ دوم اینکه من معتقدم در جواب همه‌ی این نامه‌ها، همچنان که دیروز به آقای توکلی<sup>(۲)</sup> گفته شد، به این آقایان وزرا گفته بشود که فهم خودتان و فهم مشاوران حقوقی خودتان درباره‌ی قانون اساسی، برای شما معتبر است. جلوی فهمتان را نگیرید. هرچه می‌فهمید، عمل کنید. بعد اگر مجلس یا قوه‌ی قضائیه خواست شما را به سؤال بکشد و بین قوه‌ی قضائیه و شما اختلاف پدید آمد، نیاز به فهم ما پیدا می‌شود. یعنی با قانون اساسی این‌گونه برخورد نکنند که حتماً و در همه جا باید از شورای نگهبان پرسند. خودشان هرچه می‌دانند، باید عمل کنند.

**آقای محسن هادوی:** مطالب جناب آقای صانعی - اگر ناراحت نشوند - خارج از موضوع بود. برای اینکه ما این موضوع را مطرح کردیم تا درباره‌ی این موضوع صحبت کنند. ایشان می‌فرمایند که ما اصلاً جواب ندهیم! این موضوع بحث ما نیست. موضوع این است که یک چنین قراردادهایی قبلاً بوده و این قانون ...

**آقای صانعی:** این خارج از موضوع است؟! عدم نیاز به جواب درباره‌ی مسئله‌ای، خارج از موضوع است!؟

**آقای محسن هادوی:** آقای مهدوی بفرمایید.

۱. «بازگشتن، چشم‌پوشی»، فرهنگ لغت عمید، ذیل واژه. منظور این است که اصل (۱۳۹) قانون اساسی شامل قراردادهای مربوط به قبل از انقلاب که بعد از انقلاب ابطال نشده‌اند، نمی‌شود.

۲. آقای احمد توکلی، وزیر وقت کار و امور اجتماعی.

**آقای مهدوی کنی:** بیانی که جناب آقای صانعی فرمودند، علاوه بر اینکه خارج از موضوع است، نیاز آن مؤسسه را هم نمی‌تواند رفع کند. برای اینکه مسئول آن مؤسسه می‌ترسد که اقدام به کاری کند و پس فردا او را به محاکمه بکشاند. آمدیم و طبق فهم خودش از قانون اساسی عمل کرد و بعد او را به محاکمه کشیدند که تو چه کاره‌ای که قانون اساسی را تفسیر کردی و به فهم خودت عمل کردی؟! خوب، او می‌ترسد. می‌ترسد که مبدا فردا او را به محاکمه بکشاند. در چنین مواقعی و در کارهای مهم، اینها اقدامی نخواهند کرد. اگر شما هم باشید، می‌ترسید اقدامی کنید. در معامله‌ی به آن بزرگی، که در آن دعوا سر میلیاردها پول است، اگر بخواهد به تفسیر خودش کاری بکند، مشکل است. قهراً آنها نمی‌توانند این کار را بکنند. یک وزیر یا یک معاون وزیر و یک رئیس سازمان نمی‌تواند چنین کاری بکند. باید جوابش را داد. من معتقدم که ما باید جواب بدهیم و راه فراری هم درست کنیم که به نظر همان چیزی که من عرض کردم، خوب است؛ یعنی در مواردی که قبلاً قراردادی بوده و ابطال نشده است، این‌طور است [= نیازی به تصویب مجلس برای ارجاع به داوری نیست]. حتی من می‌خواهم اضافه کنم که اگر همین الان هم ما قانونی [= قراردادی] را در مجلس تصویب کنیم که در محتوای آن ارجاع به داوری هم باشد، یعنی آن قرارداد را قبول کنیم، باز هم نیازی [= به اخذ مجدد مجوز از مجلس برای ارجاع به داوری] ندارد.

**آقای محسن هادوی:** آقایان دیگر کسی مطلبی ندارد؟ رأی بگیریم؟

**آقای افتخار جهرمی:** متنی را که آن روز نوشتیم و برایش رأی گرفتیم، بیاورید تا ببینیم چه بوده است.

**آقای جنتی:** ما باید مشخص کنیم که آن چیزی که می‌گوییم به تصویب مجلس نیاز دارد، عمل ارجاع به داوری است یا شامل خود قرارداد هم می‌شود. شما قبلاً قراردادهایی نوشته‌اید که به داوری ارجاع شده است. قراردادهایی هم دارید که از قبل بوده‌اند و هنوز به داوری ارجاع نشده‌اند. اگر منظور از ارجاع به داوری، عمل ارجاع به داوری باشد، در مواردی که با وجود داشتن قرارداد از قبل، هنوز به داوری ارجاع نشده‌اند، چون هنوز ارجاع به داوری نشده و تازه می‌خواهند این کار را بکنند، قانون اساسی می‌گوید که مجلس باید این ارجاع به داوری را تشخیص بدهد. شما گفتید که در آن مورد، شما بروید قراردادتان را ببندید؛ اگر بعداً اختلافی پیش نیاید، که هیچ؛ اما

اگر اختلافی پیش آمد، بروید و از مجلس اجازه بگیرید. پس ارجاع به داوری همان عمل ارجاع به داوری است. بنابراین اگر ما قبلاً قراردادی بسته‌ایم و هر دو طرف هم امضا کرده‌ایم، ولی هنوز به داوری ارجاع نشده است، بر اساس قانون اساسی، مجلس باید ارجاع آن به داوری را تصویب کند.

**آقای رضوانی:** ارجاع به داوری عمل و رفتن پیش داور نیست؛ توافقی است روی رفتن پیش داور. حالا این توافق یا پیش از تحقق دعوا است و در متن قرارداد توافق می‌کنند که اگر دعوایی واقع شد، به داور مراجعه کنند، یا بعد از وقوع دعوا است. در هر دو صورت ارجاع به داوری این است، نه رفتن پیش داور.

**آقای صانعی:** آن رجوع به داور است.

**آقای رضوانی:** بله، آن رجوع به داور است. ارجاع به داوری عبارت است از توافق طرفین بر اینکه به داور مراجعه کنند و هر دو را [= پیش از تحقق دعوا و در متن قرارداد یا پس از تحقق دعوا] در بر می‌گیرد. لیکن اگر در یک قراردادی ارجاع به داوری شد و این قرارداد معتبر بود، چه مجلس معتبرش کرده باشد و چه قانون قبلی، دیگر معنی ندارد که آن قرارداد باقی باشد و با وجود این، ارجاعش به داوری به تصویب مجلس نیاز داشته باشد.

**آقای محسن هادوی:** خوب، آقایان دیگر نظری ندارید؟ آقای دکتر افتخار، شما در این مورد مطلبی ندارید؟ این نظر را تأیید می‌کنید یا ایراد دارید؟ نظرتان چیست؟

**آقای افتخار جهرمی:** همان موقع برای آن متن رأی گرفتیم.

**آقای محسن هادوی:** الان را می‌گوییم. شما همه‌اش غصه‌ی گذشته را می‌خورید! فعلاً غصه‌ی الان را بخورید. این جلسه‌ی امروز را چه کنیم؟ حرامش کنیم؟! نظرتان را بدهید.

**آقای افتخار جهرمی:** من معتقدم اگر قراردادی فعلاً معتبر باشد، گمان نمی‌کنم احتیاج به تصویب مجلس باشد. البته اگر قرارداد معتبر باشد؛ یعنی جمهوری اسلامی آن را معتبر شمرده باشد. وقتی خود قرارداد معتبر شمرده نشده باشد، در گذشته [مجریان در عمل] این را تفسیر کرده بودند و قبول کرده بودند که به داوری برود؛ ولی از این به بعد، یعنی از زمانی که قانون اساسی تصویب شده است، به هر حال یا هنگام تنظیم قرارداد یا موقع رفتن به داوری، باید از مجلس اجازه بگیرند.

**آقای جنتی:** اگر قبلاً بوده است ...

**آقای افتخار جهرمی:** در زمان رژیم سابق قرارداد نوشته‌اند و طرفین توافق کرده‌اند که اگر اختلاف حاصل شد، آقای ایکس داور باشد. این دیگر به تصویب مجلس نیازی ندارد، وقتی قرارداد را معتبر شمرده باشیم. از بعد از تصویب قانون اساسی، هر قراردادی که به اینجا برسد، اگر ارجاع به داوری در آن درج بشود، یا باید در همان موقع تنظیم قرارداد از مجلس اجازه بگیرند، یا وقتی که می‌خواهند بروند به داوری.

**آقای محسن هادوی:** پس مورد سؤال و آنچه که مطرح است، این است که قراردادهایی که قبل از تصویب قانون اساسی و طبق قوانین سابق تنظیم شده باشند، و این قراردادها از نظر دولت جمهوری اسلامی ایران معتبر شناخته شده و لغو نشده باشند، اگر قرار شد به داوری ارجاع شوند، نیازی به تصویب مجلس ندارند. آقایانی که با این نظر موافقت، اعلام کنند.

**آقای مهرپور:** من معتقدم در مورد آن قراردادهای قبلی، ما این نظر را بپذیریم که الآن هم هر قراردادی که بر اساس قانون اساسی بسته می‌شود، «ارجاع به داوری‌اش» باید به [تصویب] مجلس برسد. در مورد قراردادهایی که در گذشته و تا قبل از زمان پیروزی انقلاب تصویب شده، اگر اختلافی پیش آمد و دولت ایران خواست آن را به داوری ارجاع بدهد، این نمی‌شود؛ این را باید مجلس بگوید. ارجاع یک دعوا به داوری طبق قانون اساسی باید به تصویب مجلس برسد. الآن چه دعوا و چه امور حقوقی، اگر می‌خواهد به داوری ارجاع شود، مجلس باید تصویب بکند. درست است که [جمهوری اسلامی ایران] قرارداد[ی که قبل از انقلاب بسته شده] را لغو نکرده است، ولی به مسئله‌ی داوری‌اش عنایت نداشته است. ولی حالا نظر دارد به مسئله‌ی داور و می‌گوید قرارداد هرچه گفت و در قرارداد هرچه نوشته شد، درست؛ ولی حالا اگر می‌خواهید اختلافات را با داوری حل کنیم و در دادگاه حل نکنیم، باید مجلس اجازه بدهد. اما اگر مطابق با آن قرارداد که قبلاً بوده، اختلافی پیش آمد و طرف [خارجی] رفت به داوری - کما اینکه الآن هم بیشتر با این مسئله مواجه هستند - این منطبق به آن است؛ می‌گوید ما این را [به داوری] ارجاع نمی‌کنیم. ما فرض کنیم ممکن است ایراد به صلاحیت هم بکنیم و اول بگوییم که [دادگاه خارجی] صلاحیت ندارد. ولی اگر رفت به داوری و ناچار قبول کردند، ما داورمان را معرفی می‌کنیم و جواب می‌دهیم. یا اینکه حتماً بگوییم هر مورد باید بیاید و در مجلس تصویب بشود و [این طوری می‌توانیم] آنکه اینجا [در این نامه] گفته [را] جواب بدهیم. در مورد این...

**آقای مهدوی کنی:** فرض کنید ما قراردادی داریم که در آن ذکر شده است که در وقوع اختلاف به داور مراجعه کنید. این قرارداد هم معتبر است؛ با تمام قیود و شرایطش معتبر است. حالا اختلاف پیش آمده است و می‌خواهند به داوری ارجاع کنند، ولی ما می‌گوییم مجلس باید تصویب کند. مجلس هم اجازه نمی‌دهد که به داوری مراجعه کنیم و می‌گوید طبق قوانین خودتان این را فیصله کنید. از آن طرف هم طرف قرارداد به ما می‌گوید طبق قراردادی که بین ما و شما هست، باید به داور مراجعه کنید. می‌گوید شما نمی‌توانید از قرارداد تخلف کنید؛ یا قرارداد را لغو کنید، یا اگر قرارداد معتبر است، به داور مراجعه کنید.

**آقای مهرپور:** در موارد اختلاف به داور مراجعه می‌کنند. آنها مراجعه می‌کنند و ما در آنجا اختلافی نداریم.

**آقای محسن هادوی:** آقای مهرپور، شما به مطلب، آن‌طور که ایشان توضیح دادند، توجه نکردید.

**آقای مهدوی کنی:** بنده حرفم این است که مطلبی که آقای مهرپور می‌گویند، درست نیست. برای اینکه اگر ما در اینجا حقوقی داریم، باید برویم و دعوا بکنیم و حرفمان را بزنیم. در این صورت آن طرف اصلاً نمی‌رود ارجاع به داوری کند تا ما هم بعد از ارجاع او برویم و جواب بدهیم. اینجا است که قهراً ما باید ارجاع بدهیم و ممکن است بعضی از چیزها در مجلس معطلی هم پیدا بکند. مثلاً وقتش بگذرد و دیگر نشود کاری کرد و اتفاقاتی از این قبیل. بنابراین در اینجا اصلاً حق ما از بین می‌رود. ما قراردادی را که از قبل بسته شده است، قبول کردیم. الزام به داوری هم گاهی به نفع ما است که باید برویم و قهراً به دنبالش می‌رویم. چرا نرویم؟! بله، اگر به ضررمان باشد، نمی‌رویم. وقتی نمی‌رویم، صبر می‌کنیم تا ببینیم طرف دیگر، خودش چه می‌کند.

**آقای محسن هادوی:** آقای دکتر آراد بفرمایید.

**آقای آراد:** بسم الله الرحمن الرحيم. خلاصه‌ی نظر بنده این است؛ اصل (۱۳۹) می‌گوید که ارجاع امر به داوری باید به تصویب مجلس برسد و به نظر بنده هیچ ارجاع به داوری‌ای بدون قرارداد نمی‌شود. آقایان می‌فرمایند که شورای انقلاب برخی از قراردادهای را تنفیذ کرد و بعضی از آنها را باطل کرد و گفت آنهایی که باطل نشده‌اند، به اعتبار خودشان باقی‌اند. به نظر بنده با توجه به تاریخ تصویب قانون

اساسی و با توجه به اینکه گفته است ارجاع امر به داوری باید به تصویب مجلس برسد، نتیجه این می‌شود که کلیه قراردادهای متضمن ارجاع به داوری، به اجازه‌ی مجلس نیاز دارند. و به نظر بنده در این مورد خاص هم اجازه‌ی مجلس لازم است و در این مورد هم باید مجلس نظر بدهد.

**آقای مهرپور:** قراردادهایی که از قبل بوده ...

**آقای آراد:** درباره‌ی قراردادهایی که از قبل بوده، رأی بگیریم؛ ولی رأی نخواهد آورد. این تفسیر است و نه رأی می‌خواهد.

**آقای محسن هادوی:** تبیین است. این نظر شورای نگهبان است. نظر اکثریتشان است. نظر تفسیری این است که ... حالا من هم یک کلام عرض کنم که این مطلب قدری روشن بشود. الآن که ما در شورای نگهبان نشستیم و نظر می‌دهیم، آیا این نظرات ما با ارزش است یا بی‌ارزش؟ یا [آیا] طبق قانون اساسی، نظر شورای نگهبان ارزش دارد یا ندارد؟ ما قبلاً هم بحث کرده‌ایم که ما که صلاحیت داریم قانون اساسی را تفسیر کنیم، می‌توانیم آن را تبیین هم بکنیم. یعنی نظری که اکثریت شورای نگهبان می‌دهد.

**آقای آراد:** این موضوع رأی نیاورد.

**آقای مهرپور:** شورای نگهبان چند وظیفه در قانون اساسی دارد؛ یا مصوبات مجلس را با قانون اساسی و شرع مطابقت می‌دهد و می‌گوید مغایر است یا مغایر نیست؛ یا قانون اساسی را تفسیر می‌کند و تصویب می‌کند. تبیین قانون اساسی را چه کسی گفته است؟!

**آقای محسن هادوی:** خوب، این اصلی که می‌گوید می‌تواند قانون اساسی را تفسیر کند، خودش هم آیا تفسیری می‌تواند داشته باشد؟ خود این اصل هم می‌تواند تفسیر داشته باشد. تفسیر این اصل یعنی تفسیرش این است که ...

**آقای مهرپور:** این تفسیری که شما می‌گویید، تفسیر است یا غیر تفسیر است؟

**آقای محسن هادوی:** تفسیر است. نه، می‌خواهم بگویم این تبیینی که ما می‌کنیم، خود تبیین، تفسیر قانون اساسی است.

**آقای مهرپور:** چرا؟

**آقای جنتی:** ما را به‌عنوان کارشناس قانون اساسی انتخاب کرده‌اند و از ما خواسته‌اند قانون را معنی کنیم. وقتی که اکثریت ما نظر می‌دهیم معنای این نکته این است، هم

آنها قبول می‌کنند و هم در اینجا. بنابراین ما حق اینکه قانون را معنی بکنیم، داریم و آنها هم قبول دارند و بر اساس آن عمل می‌کنند.

**آقای محسن هادوی:** و قانون اساسی هم با روح این کار مخالفتی ندارد، بلکه موافق است.

**آقای صانعی:** واقعاً می‌خواهد همان کشف‌الفناع<sup>(۱)</sup> [اتفاق بیفتد].

**آقای آراده:** یک توضیحی بدهید که چرا از ما سؤال می‌کنند؟ به لحاظ باسواد بودنمان است یا به لحاظ اعتبار قانونی؟

**آقای جنتی:** به لحاظ اینکه کارشناس قانون اساسی هستیم.

**آقای آراده:** نخیر، ما کارشناس نیستیم.

**آقای صانعی:** عقیده‌ی آقای هادوی این است که تبیین حجت است در تفسیر. بنده هم عقیده‌ام این است که تبیین حجت است در تفسیر. آقای جنتی هم عقیده‌شان این است که تبیین حجت است به‌عنوان نظر کارشناس. جناب آقای مهرپور و جناب آقای دکتر آراده با این مخالفند. خود این بحث نه رأی می‌خواهد. شما می‌فرمایید که این نظر طبق چه عنوانی داده شده است. این را هم بگویم که آنهایی هم که شما می‌فرمایید چرا نوشته شده، نوشته شده، ولی امضا نشده است؛ رأی‌گیری برای روز بعد گذاشته شده است. بنابراین اینکه می‌گویید به چه عنوانی شما باید نظر بدهید، آقایان دارند نظر خودشان را می‌فرمایند. آقای هادوی نظر خودش را دارد می‌گوید. حاج‌آقای جنتی نظر خودش را داده و من هم نظر خودم را می‌گویم. اما آیا نظر من می‌تواند معیار باشد؟ نه تا نظر می‌خواهد.

**آقای آراده:** نه رأی می‌خواهد.

**آقای محسن هادوی:** نظر شما چیست؟

**آقای افتخار جهرمی:** راجع به چه؟

**آقای محسن هادوی:** راجع به این که تبیین ما لازم‌الاتباع [هست] یا لازم‌الاتباع نیست. یعنی تبیینی که ما الآن با هم کنیم.

**آقای مهرپور:** ما چندین بار این مسئله را بررسی کردیم. اولاً اینکه می‌فرمایند ... ما حق نداریم بنشینیم و با هم توافق کنیم. مثلاً فرض کنیم آقای نخست‌وزیر و شورای

۱. تعبیری است که برای تفسیر به کار می‌رود و منظور، رفع ابهام از لفظ مبهم و پرده برداشتن از معنای آن است.



نگهبان توافق کنند که اگر من سؤالی داشتم، بپرسم و شما هم هر چه بگویید، من قبول می‌کنم. ما به این صورت حق توافق نداریم. ما باید در آن حدی که قانون اساسی گفته است، عمل کنیم. آنچه که در اینجا درباره‌اش بحث شد و آقای صانعی هم فرمودند تبیین مثل تفسیر است و من هم همین نظر را داشتم، این بود که عرض کردم در مورد غیر از مصوبات مجلس، وظیفه‌ی شورا بیان معنای قانون اساسی است. گفتیم وقتی که از ما برای تشریح، تفسیر، تبیین، بیان خلاصه‌ی یک معنایی از یک اصل قانون اساسی یا هر اسمی که بگذارید، سؤالی شد و اگر ما نظر دادیم، این نظر، نظر تفسیری است. یعنی همان سه چهارم رأی را می‌خواهد و لازم‌الاتباع هم هست. خارج از این محدوده ما چیز دیگری نداریم که بگوییم یا تفسیر می‌کنیم، که نه رأی می‌خواهد، یا تبیین می‌کنیم که هفت رأی می‌خواهد. گفتیم که تبیین، بله اگر یک کسی بگوید آقا، شما به‌عنوان اینکه با قانون اساسی سروکار دارید، مشورتاً نظرتان چیست، در چنین مواردی ما به‌عنوان شورای نگهبان نمی‌توانیم نظر بدهیم که سند باشد. در اینجا آن کسی که از اعضای شورا نظر خواسته، صرفاً می‌رود و می‌گوید که بله، مثلاً آقای صانعی عضو شورای نگهبان هم همین را فهمیده و نظر داده است. این مسئله‌ی دیگری است و ممکن است یک کسی خارج از شورای نگهبان هم باشد که اطلاعات خوبی داشته باشد و خیلی هم بهتر از ما باشد و از او هم نظر بخواهند. اما ما اگر بخواهیم نظری بدهیم، به‌عنوان اینکه نظرم‌ان لازم‌الاتباع باشد، حالا بگویید تفسیر، تبیین یا هر چیز دیگری، باید نه رأی باشد؛ و این همان چیزی است که اصل (۹۸) می‌گوید و چنین نظری لازم‌الاتباع است. این دیگر تمام شد. حالا شما دوباره بگویید که ما یک بار رأی گرفته‌ایم. والله بالله این رأی نیاورده است. چند روز پیش هم ما دوباره صورت‌جلسه را آوردیم و نشانتان دادیم؛ حالا باز هم بیاورید.

**آقای محسن هادوی:** بیاتان که تمام شد، دیگر شعار ندهید.

**آقای مهرپور:** این شعار نیست، بیان ما وقع است.

**آقای جنتی:** من می‌گویم که اگر ما این را پذیرفته‌ایم که تفسیر است، خیلی خوب، تفسیر حساب می‌شود و ... . اگر هم این را تفسیر نمی‌دانیم، من معتقدم دوازده رأی هم در شورا اعتبار ندارد. برای اینکه ما چه حقی به خودمان می‌دهیم که قول خودمان [را معتبر بدانیم]. قانون اساسی به ما حق داده که قانون را در ارتباط با این مسئله

تفسیر کنیم و اگر هم خواستیم تفسیر کنیم، باید سه چهارم رأی شورا را داشته باشد تا معتبر شود. اما مازاد بر این، اگر تبیینی می‌شود، اعتبار و فایده‌ای ندارد.

**آقای محسن هادوی:** پس مصلحت در این است که اگر ما بخواهیم جواب این مسائل را بدهیم، اول این را که ما حق پاسخ‌گویی داریم و آنها باید جواب ما را بپذیرند، مطرح کنیم. تکلیف این را روشن کنیم و بعد جواب بدهیم. اگر نشد، اصلاً ما جواب ندهیم. قانون اساسی در این باره صریح است و جنبه‌ی تفسیری ندارد. جناب آقای جنتی، بنده معتقدم که ما باید جواب این قانون اساسی را بدهیم. یعنی مسائلی از این دست را که اصلاً خود تفسیر برای چیست، حل کنیم. تفسیر برای این است که مردم که درباره‌ی این قانون اساسی برایشان ابهام و اجمالی حاصل شده است، جوابشان را از شورای نگهبان بگیرند. پس اگر منظور از تفسیر این باشد، ما باید تبیین هم بکنیم، نه اینکه نباید بکنیم. اصلاً وظیفه‌مان است که تبیین هم بکنیم. چرا؟ برای اینکه همان وظیفه‌ای که قانون اساسی به‌موجب تفسیر به عهده‌ی ما گذاشته، در مورد تبیین هم گذاشته است؛ یعنی وظیفه‌ی ما حل کردن و روشن کردن قانون اساسی برای مردم است. و در جایی که قانون اساسی خیلی مجمل و مبهم است، ممکن است تفسیری که ما می‌کنیم، حتی به‌ظاهر مغایر و مباین با قانون اساسی باشد. اختیار و اعتباری که قانون اساسی به شورای نگهبان داده است، این اعتبار را هم می‌دهد که تبیینی که شورای نگهبان می‌کند، با تبیینی که دیگران می‌کنند، اعتبارش فرق داشته باشد و بتواند مسائل مملکت را حل کند. بنابراین اعتقاد من این است که با توجه به این نظراتی که آقایان دارند، ما اول بیاییم این مسئله را نظر بدهیم که آیا تبیینی که ما می‌کنیم، باید متبّع باشد یا نباید باشد. اگر قرار شد متبّع باشد، ما به این بحث ادامه بدهیم. اگر قرار شد متبّع نباشد، ما این را کنار بگذاریم؛ برای اینکه مسئله مسئله‌ای تفسیری نیست. این سؤال‌هایی که می‌شود، روشن است؛ ولی این یک چیزهایی است که در حاشیه‌ی تفسیر است. در واقع تبیین است، همانطور که عرض کردم.

**آقای مهرپور:** نمی‌دانم. ما بالأخره نفهمیدیم تفسیر یا تبیین چیست. یعنی می‌گویند که چیزی که روشن است ...

**آقای محسن هادوی:** حالا نوبت جناب خزعلی است.

**آقای خزعلی:** بسم الله الرحمن الرحيم. ما یک تطبیق دادن مصوبه با قانون اساسی داریم برای اینکه مغایرت یا عدم مغایرتش را به دست بیاوریم. یک وقت این است که مفاد قانون اساسی را بیان می‌کنیم و می‌گوییم تبیین، می‌گوییم تفسیر. و فرق موضوعی بین تفسیر و تبیین در ذهن آقایان [صحیح نیست. نباید تصور کرد که] یک جا تبیین است، یک جا تفسیر و [تفسیر] به معنای برداشتن پرده است و تبیین هم وقتی به کار می‌رود که از شما استبانه می‌کنند، طلب بیان می‌کنند. منظور اینها نبوده و [این دو تعبیر] فرقی ندارد و هر دو به یک معنا است. مطلب روشن است؛ اینجا نظر مشورتی است که معتبر نیست. دوازده تا رأی بیاورد یا یک رأی بیاورد. این از باب برطرف کردن دلهره است، نه از باب اینکه سند بدهیم دستشان. و سندی که ما به دست می‌آوریم، دو جور باید به دست بیاوریم: یکی اینکه ببینیم نظر تصویبی مجلس با قانون اساسی مغایرتی دارد یا ندارد. یکی این وظیفه است که حجت است. یکی هم اینکه بگوییم آقا، ذهن شما ابهام دارد، ما هم ابهامش را قبول داریم و این [اصل قانون اساسی] معنایش این است. اینجا می‌گوییم که رأی لازم است و حجت هم هست. اما در جایی که ابهام ندارد و دلهره‌ای می‌خواهد برطرف شود، آن نظر مشورتی از هر کسی که دلهره را از بین ببرد، کافی است. ولی فردا اگر ما در موضوعی با ما مشورتی کردند تا نظر ما را به‌عنوان حجت داشته باشند، چرا ما بر مردم الزام نکنیم؟! اگر [نظر مشورتی] غیر از معنای تفسیری است، پس چرا می‌خواهید تحمیل بکنید؟! به نظر می‌رسد تبیین عین تفسیر است و دو تا نیست. اگر هم دو تا شد، تبیین هیچ حجیتی ندارد.

**آقای محسن هادوی:** آقای افتخار بفرمایند.

**آقای افتخار جهرمی:** بسم الله الرحمن الرحيم. در مورد اینکه تفسیر چیست، اصولاً بحث زیاد است؛ منتها ما نمی‌توانیم نظر واحدی پیدا کنیم که آیا این تفسیر است، تبیین است، چیست. بنابراین من معتقد هستم که هر گاه شورای نگهبان خودش تصمیم گرفت که آقا در این مسئله‌ای که سؤال شده است، باید جواب بدهد و نه رأی آورد، این لازم‌الاتباع است.

**یکی از اعضا:** یک چیز روشنی نمی‌توانیم نظر بدهیم.

**آقای محسن هادوی:** جناب صانعی بفرمایند.

**آقای صانعی:** اینکه اصل نظر شورای نگهبان در تبیین یا تفسیر، حجت است یا حجت نیست، این ظاهراً گیر بحث نیست و معلوم است که اصل نظر حجت است؛ برای اینکه اگر رفع ابهام حجت باشد، بیان ظاهر به طریق اولی<sup>۱</sup> حجت است. من فکر نمی‌کنم این بحثی داشته باشد. ولو کلمه‌ی تفسیر هم شاملش می‌شود بالاولویه، اما بحث این است که آیا نه رأی می‌خواهد یا هفت تا رأی. ظاهراً نتوانیم راهی پیدا کنیم برای اینکه هفت رأی کافی باشد. هفت رأی در آنجایی که نمایندگان چیزی را تصویب کرده‌اند، کافی است. اما در اینجایی که نمایندگان چیزی تصویب نکرده‌اند و خود ما نشسته‌ایم [و می‌خواهیم رفع ابهام کنیم]، ما نمی‌توانیم بگوییم هفت رأی کافی است؛ نه رأی لازم است، حجت هم هست. حالا اسمش را می‌خواهید بگذارید تفسیر، یا می‌خواهید بگذارید [تبیین]. یا بالاولویة القطعیة نه رأی حجت است، یا به [استناد] متن قانون اساسی نه تا حجت است؛ اما غیر از نه رأی، نظر مشورتی است.

**آقای محسن هادوی:** حالا آقای افتخار باز هم بفرمایند.

**آقای افتخار جهرمی:** مطلبی که ایشان در حاشیه‌ی بحث‌هایشان هم فرمودند که در مواردی که واقعاً مشکلاتی برای مملکت پیش آمده و سؤالاتی کرده‌اند، [ولی] نه رأی هم نمی‌آورد، [در این موارد می‌توانیم] نظر مشورتی خودمان را با هفت رأی بگوییم. بگوییم نظر اکثریت این است و به‌عنوان تفسیر هم اعلام نمی‌شود.

**آقای خزعلی:** حجت هم هست یا نیست؟

**یکی از اعضا:** نه.

**آقای افتخار جهرمی:** نه، حجت نیست.

**آقای مهربور:** او باید بداند که حجت نیست. او باید ملتفت قضیه باشد که این نظر حجت نیست. والّا ...

**آقای افتخار جهرمی:** باید نوشته شود که این نظر، نظر تفسیری نیست و حجت نیست. **یکی از اعضا:** نظر مشورتی است.

**آقای مهربور:** و حجت نیست. یعنی فردا نمی‌توانی عمل بکنی و بگویی طبق نظر شورای نگهبان این کار را کردم. این را نمی‌توانی.

**آقای محسن هادوی:** دیگر چه کسی صحبت دارد؟ آقای جنتی بفرمایید.

**آقای جنتی:** در جلسه‌ی قبل قضیه‌ی تبیین و تفسیر مطرح شد و اینکه هرچه هست، تفسیر است و ما اصلاً هیچ چیز غیر از تبیین<sup>(۱)</sup> نداریم. فکر می‌کنم در قانون عادی خیلی می‌توانیم روشنش کنیم و اینجا هم مثل همان‌جا است. قانون عادی وقتی که تصویب می‌شود و نوشته می‌شود، دست مجریان قانون داده می‌شود. مجریان قانون خودشان یک مشاورها و کارشناس‌های حقوقی دارند و برای اینکه از این قانون استفاده بکنند و بعد در مواقعی که اختلاف می‌شود، تبادل نظر می‌کنند و یک‌جوری حل اختلاف می‌کنند. تبیین همین است که آن مجری قانون و آن کسی که با این قانون سروکار دارد و می‌خواهد پیاده‌اش بکند، وقتی معنایش را نمی‌فهمد، دقت می‌کند و بعضی وقت‌ها از این می‌پرسد و بعضی وقت‌ها از آن می‌پرسد. بعضی وقت‌ها هم می‌گوید مثلاً از شورای عالی قضایی بپرسیم که [این بخش از قانون را] چه معنی می‌کند. این مسئله‌ی معنی است و در اینجا هنوز نوبت به تفسیر نرسیده است. اینها خودشان حق دارند این کار را بکنند و می‌کنند و روی این نظر خودشان هم عمل می‌کنند و بعد می‌گویند استنباط ما از این قانون این بود و به استنباط خودمان عمل کردیم. ولی یک دفعه نه، یک جنبه‌ی تفسیری پیدا می‌کند که دیگر معنایش این نیست که من استنباط می‌کنم؛ این را اصلاً باید مجلس تفسیر بکند. شمای مجری قانون دیگر حق نداری تفسیرش بکنی. این چیزی است که دیگر به شما مربوط نیست. اینجا هم همین است؛ یک مسئله‌ی تفسیری است. آن مسئله‌ی تفسیری واقعاً به این سادگی نیست که بخواهیم مثلاً ابهام را معنی بکنیم و اسمش تفسیر باشد. نه، آن یک چیزی است که یک پیچیدگی خاصی دارد و ما که می‌خواهیم از قانون اساسی استفاده بکنیم، می‌خواهیم یک معنایی را بر این اصل تحمیل کنیم و مثلاً بگوییم آن نویسندگان قانون اساسی منظورشان از آن جمله‌ی مطلق، این [معنای] مقید بوده یا نه، این [جمله‌ی] مقید، توسعه‌ی بیشتری دارد و منظورشان یک معنای گسترده‌تری بوده است. اینها جنبه‌ی تفسیری پیدا می‌کند. اما در جایی که نه، مجری قانون می‌خواهد عمل بکند و نمی‌داند چه‌جوری است، این همان است که خودش باید استنباط بکند، منتها جرأت استنباط ندارد. مثل همان قاضی که خودش می‌خواهد یک قانون قضایی را عمل بکند،

۱. ظاهراً منظورشان «تفسیر» بوده است.

ولی قانون را نمی‌فهمد و از یکی دیگر می‌پرسد و با چهار نفر مشورت می‌کند. این خودش می‌خواهد عمل بکند. قاعدتاً مشاور حقوقی خود اینها باید از عهده‌اش بر بیاید. منتها چون جرأت ندارند این کار را بکنند و می‌ترسند و می‌گویند فردا محاکمه‌مان می‌کند، می‌خواهند به یک جایی ارتباطش بدهند. و مناسبترین جا شورای نگهبان است به‌عنوان خبره‌ی کار. حالا یک چنین کسی که از ما نظر می‌خواهد، اگر احياناً به دیگران هم بگوید که من از آنها [= اعضای شورای نگهبان] سؤال کردم و آنها با اکثریت این نظر را دادند، این برای آنها یک عذری تلقی می‌شود و همین‌جور می‌پذیرند. می‌گوید آقا، من خودم نتوانستم بفهمم و از آنها پرسیدم و آنها این‌طور نظر دادند و من عمل کردم. من خیال می‌کنم روی همان حساب حجیت قول اهل خبره که مسئله‌ی عقلایی است، نظر اکثریت‌ها [= اکثریت کمتر از نُه رأی] بی‌اعتبار هم نیست.

**آقای محسن هادوی:** آقای صانعی بفرمایند.

**آقای صانعی:** اما اینکه ایشان می‌فرمایند، مسئله‌ی هفت تا رأی است، فرمایششان به اینجا برگشت که هفت تا رأی ما «به‌عنوان خبره» حجت است. خوب اگر به‌عنوان خبره حجت است، ممکن است بیرون از شورا کسانی باشند که خیلی بهتر از شورای نگهبان بلد باشند. ممکن است حقوقدانانی و فقهای خیلی ملاتر از شورای نگهبان باشند. این می‌رود سراغ آنها. ظاهراً اینکه سراغ ما می‌آید، نه به‌عنوان آنهم اهل‌الخبره،<sup>(۱)</sup> بلکه به‌عنوان آنهم شورای نگهبان است. و برای همین باید زیرش را امضا کنند. بله، اهل خبره نظر می‌دهند و تعارض می‌کند با حرف‌های دیگر؛ اما در تفسیر [شورای نگهبان] تعارض نیست. در مسئله‌ی [تشخیص] انطباق با قانون اساسی تعارض نیست. به‌عقیده‌ی من نمی‌تواند به‌عنوان خبره قضیه را تمام کند. خود قانون [این وظیفه را از شورای نگهبان] می‌خواهد. تازه حجیت قول این خبره خودش قانون است.

**آقای محسن هادوی:** آقای مهرپور بفرمایند.

**آقای مهرپور:** اتفاقاً آقای جنتی مثال خوبی به قاضی زدند که قاضی برخورد می‌کند به اینکه قانون خودش یک اشکالات و ابهاماتی دارد. به هر حال باید تفسیری بکند و در خود قانون اساسی هم آمده که شرح و تفسیر قانون عادی با مجلس است، ولی این امر

۱. «نه به این عنوان که آنها خبره‌اند.»

مانع از تفسیر قضات در موقع رسیدگی و اینها نیست.<sup>(۱)</sup> آن طبیعی است که الان در آرایه‌ای که در دادگاه‌ها داده می‌شود، به‌خصوص در مسائل حقوقی و مدنی و استناد به مواد قانون مدنی یا آیین دادرسی مدنی، نظریات مختلف داده می‌شود و به‌استنباط‌های مختلف، تفسیرهای گوناگونی از قانون می‌شود. خوب این یک چیز خیلی طبیعی است و بالاترش هم گاهی در هیأت عمومی [دیوان عالی کشور] می‌آید و حتی به‌صورت یک نظریه‌ی واحدی داده می‌شود و در آنجا به‌فرمایش شما قاضی وقتی می‌خواهد رأی بدهد، می‌رود از این و آن و از آنهایی که خبره در کارند، سابقه‌ی بیشتری دارند و فرض کنید سواد بیشتری دارند، می‌پرسد و نظر می‌گیرد و بعد می‌آید طبق آن نظر می‌دهد؛ اما هیچ‌کدام از این نظرهایی که از اینها می‌گیرد، حجت نیست و اگر خلاف قانون شد، نمی‌آید بگوید مثلاً من مهرپور رفته‌ام و از آقای دکتر آراد هم که سی سال سابقه‌ی قضایی دارد، پرسیده‌ام و این‌جور گفته است. خوب، او نظرش حجت نیست. بالاتر از این - من خدمتتان آن وقت هم مثال زدم - دادگستری اداره‌ی حقوقی دارد، کمیسیون‌های مختلفی دارد که می‌نشینند درباره‌ی بحث‌ها و سؤالاتی که می‌شود، نظر مشورتی می‌دهند و این نظرهای مشورتی چاپ هم می‌شود و برای قضات فرستاده می‌شود که از آن استفاده می‌کنند. اما مخصوصاً می‌نویسند که این نظرها مشورتی است. برای شما حجت نیست، اما یک راهنمایی است. حتی آنکه تا آن حدش هم می‌رسد. در اینجا هم اگر یک چیزی با قانون اساسی اصطکاک داشته باشد، فرض کنید وزیری، مجری‌ای می‌خواهد عمل بکند، می‌ترسد که مثلاً این خلاف قانون اساسی باشد یا نمی‌داند که به این اصل قانون اساسی می‌خورد یا نمی‌خورد؛ خوب، از این‌ور و آن‌ور می‌پرسد. گفتیم، اگر نخواهد به‌عنوان تفسیر سؤال کند، از ما هم می‌پرسد. خوب، مثل همان قاضی که می‌خواهد رأی بدهد، ابتدا خودش باید به فهمش عمل کند، ولی یک خرده می‌ترسد؛ اما وقتی از من و دیگران و شما پرسید و دید یک عده‌ای هم همین نظر را می‌دهند، تشجیع می‌شود و به این نظر عمل می‌کند. در اینجا هم اگر به این عنوان از من بپرسد، از شما بپرسد، از دیگری بپرسد، از چهار تا عضو شورای نگهبان بپرسد، یک مقدار بیشتر تشجیع می‌شود و عمل می‌کند؛ اما به هیچ

۱. اصل (۷۳) قانون اساسی: «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند، نیست.»

عنوان نمی‌توانید بگویید که این به‌عنوان یک نظر [تفسیری] حجت هست. فقط در حد همین مشورت است، بدون اینکه هیچ حجت باشد. اما اگر یک چیزی شد که به اصطلاح ما خیلی مبهم نیست، اما یک اختلافی بین دو ارگان مهم مملکتی در ارتباط با قانون اساسی پیش آمد که از ما هم سؤال می‌کنند و می‌خواهند روی این عمل بکنند، ما می‌گوییم آقا، اینکه تفسیر نیست، خیلی روشن است؛ ولی از همین «روشن» بالأخره دو جور برداشت می‌کنند. خوب اینجا اگر ما نظر داریم و می‌خواهیم نظرممان لازم‌الاتباع باشد، ولو بگوییم آقا اصلاً این را نمی‌شود از موارد تفسیر دانست، مع‌ذلک [اگر] نه تا رأی بدهیم، لازم‌الاتباع است. نمونه داریم و من یادم است که این بحث‌ها از آنجا پیش آمده که در زمان مرحوم رجایی و بنی‌صدر اگر یادتان باشد، سر سفیر اشکال داشتند. مرحوم رجایی سؤال کرد که اصل (۱۲۸) که می‌گوید رئیس‌جمهور استوارنامه‌ی سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه‌ی سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد،<sup>(۱)</sup> این رئیس‌جمهور می‌گوید که صلاحیت سفیر را هم من باید تأیید بکنم و او این حق را دارد یا ندارد؟ این را سؤال کرد و ما آن وقت گفتیم بابا اینکه تفسیر نیست. معلوم است که این فقط یک چیز تشریفاتی است که او امضا می‌کند. ولی به هر حال بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر اختلاف بود و زیر بار هم نمی‌رفتند و او امضا نمی‌کرد. ما برداشتیم نوشتیم که صریح اصل (۱۲۸) همین است که او امضا می‌کند،<sup>(۲)</sup> اما اینکه بالأخره او [= سفیر] می‌خواهد برود و [اگر قرار باشد تفسیری کنیم

۱. اصل (۱۲۸) قانون اساسی (مصوب ۱۳۵۸): «رئیس‌جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و

استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.»

۲. نامه‌ی شماره‌ی ۷۴۸۴۲ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۷ نخست‌وزیر وقت به شورای نگهبان:

«بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

یکی از موارد اختلاف اینجانب با رئیس‌جمهور، اصل (۱۲۸) قانون اساسی است. به‌نظر اینجانب رئیس‌جمهور استوارنامه را امضاء می‌کند، تصویب صلاحیت سفیر با وزیر امور خارجه است. آقای رئیس‌جمهور معتقدند که باید ایشان صلاحیت سفیر را تصویب کنند.

خواهشمند است نظر آن شورا را نسبت به موضوع فوق ابلاغ فرمایند.

نخست‌وزیر

محمدعلی رجایی»

پاسخ شماره‌ی ۱۵۷۰ مورخ ۵۹/۱۲/۲۱ شورای نگهبان:



که [نخست وزیر بخواهد طبق این بردارد عمل بکند و رئیس جمهور را مکلف بکند به امضای استوارنامه، اینجا باید **نه** تا رأی باشد؛ اگر کمتر از **نه** تا رأی باشد، [نظر تفسیری و لازم‌الاتباع نیست]. این در واقع تفسیر است، چون سر همین [متن] واضح اینها اختلاف دارند. پس تفسیر است. اما اگر شما بخواهید با هفت تا رأی، رأی مشورتی بدهید، هیچ کدام نمی‌توانند عمل بکنند. دیگر فکر می‌کنم تمام است.

**آقای صانعی:** مگر **نه** تا رأی بیاورد که [در این صورت نظر تفسیری و لازم‌الاتباع خواهد بود].

**آقای محسن هادوی:** اجازه بفرمایید من خلاصه‌ی مطالبی که مطرح شد را عرض بکنم. مطلب این است که آیا ما می‌توانیم با هفت تا رأی نظری بدهیم که برای سایر مقامات و مردم لازم‌الاتباع باشد یا نه. من می‌خواهم این را عرض بکنم. اولاً مسئله‌ی تفسیر یک مسئله‌ای است که در همه‌ی دنیا مرسوم است و به این سؤالاتی که از ما می‌شود و این پاسخ‌هایی که ما می‌دهیم، تفسیر گفته نمی‌شود و اگر قرار باشد این سؤالات و پاسخ‌ها تفسیر بشود، قانون اساسی ما باید یک کتاب هفتاد منی بشود. برای اینکه از اولش که این قدر دارد سؤال می‌شود، اگر همین‌طور ادامه پیدا کند، در مسائل مختلف در هر سالی زیاد خواهد شد و یک کتاب ضخیمی خواهد شد. تفسیری که ما می‌کنیم و باید **نه** تا رأی بیاورد، در واقع مثل این است که یک اصل قانون اساسی را تفسیر می‌دهیم؛ یعنی آنچه که ظاهرش نشان می‌دهد، این را داریم تغییر می‌دهیم. در واقع آن اصل قانون اساسی تغییر یافته می‌شود؛ یعنی جای آن چیزی که قبلاً بوده، آن تفسیر را ما باید بیاوریم در قانون اساسی و بنده دیگر آن را نگاه کنم، نه خود اصل را. تفسیر به این معنا است و این

→

«بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای محمدعلی رجایی - نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۷۴۸۴۲ - ۵۹/۱۲/۱۷:

موضوع مورد سؤال در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود:  
"طبق اصل (۱۲۸) قانون اساسی رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌نماید و تصویب صلاحیت سفیر با رئیس جمهور نیست."

دبیر شورای نگهبان

«لطف الله صافی»

تفسیر باید خیلی موارد نادری پیدا بکند و آن نه رأی را هم باید بیاورد. ولی می‌خواهم این را عرض بکنم که خود این اصل تفسیر، قابل تفسیر است. اصلاً این اصل [= اصل (۹۸)] برای چه در قانون اساسی نوشته شده و گفته است که تفسیر قانون اساسی با این مرجع است؟ برای رفع اختلافات و ایجاد هماهنگی و حفظ وحدت، که هر کسی از قانون اساسی یک استنباط خاصی نداشته باشد و از یک طرف بکشد. یک مرجعی باشد تا بیاید و به‌طور قاطع تعیین تکلیف بکند. همان‌طور که دیدیم در مملکت ما مسائلی پیش آمد که شورای نگهبان به‌طور قاطع تعیین تکلیف کرد و همه هم قبول کردند و همه هم می‌پذیرند و قانون اساسی هم این را می‌پذیرد. عرض من این است که ما وقتی که می‌توانیم بیاییم مصوبات مجلس را با هفت رأی کم و زیادش بکنیم و مجلس را الزام بکنیم به اینکه تبعیت بکند، وقتی که ما می‌توانیم مجلس را تبعیت بدهیم، خوب ارگان‌های دولتی را هم می‌توانیم تابع کنیم به نظری که هفت رأی آورده است. بنابراین اعتقاد من این است که ما بیاییم این اصل تفسیر را تفسیرش بکنیم، به این معنا که بگوییم در مواردی که اختلاف می‌شود و مسئله مسئله‌ی تفسیری نیست، نظر اکثریت شورای نگهبان به‌عنوان اینکه مرجع برای حل اختلافات و برای حل مسائل مملکت است، این نظر اکثریت همان‌طور که در مورد قوانین لازم‌الاتباع است، در مورد این نظراتی هم که در مورد تبیین قانون می‌دهد، باید مورد قبول قرار بگیرد. بگوییم در نظراتی که به‌عنوان حکمیت بین ارگان‌های رسمی مملکت است و مثلاً بین مجلس و شورای عالی قضایی در یک اصلی اختلاف هست، وقتی که آمد و شورای نگهبان بین اینها حکمیت کرد، اینها را باید بپذیرند، با توجه به روح قانون اساسی و تفسیری که از این اصل تفسیر می‌شود. اگر ما این [تفسیر از اصل (۹۸)] را با نه رأی آوردیم، بعداً می‌توانیم بگوییم که نظر اکثریت هرچه هست [ولو نه رأی نباشد]، قبول بشود؛ والا اگر قرار بشود که در هر موردی که ما می‌خواهیم نظر بدهیم، بیاییم و بگوییم باید نه رأی باشد، آن نظر یک نظری می‌شود که دیگر خودمان هم نمی‌توانیم برخلافش تصمیم‌گیری بکنیم. یعنی اگر ما با نه رأی یک نظری دادیم، [بعداً] اگر خودمان هم بخواهیم با هشت رأی این نظر را تکان بدهیم، نمی‌توانیم و ملزم هستیم از آن نظر قبلی مان تبعیت داشته باشیم. بنابراین اعتقاد من این است که آقایان روی این مسئله [فکر کنند] که ما بیاییم این اصل تفسیر را [= اصل (۹۸)] تفسیر بکنیم و بگوییم که منظور از تفسیری که قانون‌گذار گفته، این بوده

که رفع اختلاف بشود و مسائل حل بشود و روشن بشود. پس ما بیایم بگویم که با توجه به اینکه ما می‌توانیم قوانین مجلس را با هفت تا رأی کم و زیاد بکنیم، وقتی که می‌خواهیم اصلی از اصول قانون اساسی را تبیین و روشن بکنیم هم می‌توانیم با نظر اکثریت که همان [حداقل] هفت تا رأی باشد، همین کار را بکنیم. و این، هم به مصلحت مملکت است، هم با روح قانون اساسی می‌سازد و هم یک تفسیری است مورد قبول همه‌ی مردم و خودمان. این نظر بنده است. حالا آقایان هر کس صحبت دارد، بفرماید. آقای افتخار است، بعد ایشان.

**آقای افتخار جهرمی:** من تصور می‌کنم که مطلب روشن شد. یعنی اگر سؤالی بود و مفهومی بود که در اینجا نه رأی آورد، به هر حال اسمش را هر چه بگذاریم، این حجت است و باید همین‌طوری [که در نظر تفسیری گفته شده است] اجرا کنند؛ اما در صورتی که نظر اکثریت، یعنی با هفت رأی، اعلام می‌شود، این نظر، نظر مشورتی است و حجت نیست. درست است که نظر اداره‌ی امور دادگستری<sup>(۱)</sup> مشورتی است، درست است که نظری که افراد از کتاب حقوقی درمی‌آورند که فلانی همچو حرفی زده، فلانی چنین رأیی داده است، این حجت نیست، اما دادگاه انتظامی قضات وقتی می‌خواهد به تخلف قضات رسیدگی بکند، وقتی که می‌بیند یک عده‌ای از آقایان [حقوقدانان] نظرشان این است [و قاضی بر اساس آن عمل کرده است]، معمولاً قاضی را محکوم نمی‌کنند و می‌نویسند این محمول بر نظر قضایی است؛ کما اینکه آرای متعددی به این شکل از دادگاه انتظامی قضات صادر شده است. وقتی که در یک مسئله اختلاف نظر هست و عده‌ای در کتب حقوقی به ترتیب دیگری نوشته‌اند، قاضی هر کدام را اتخاذ بکند، محکومش نمی‌کنند. می‌گویند این نظر محمول بر نظر قضایی است و بنابراین وقتی قاضی نظری داده است که هفت نفر از اعضای فعلی [دادگاه انتظامی قضات] آن را تأیید می‌کنند، در آنجا مؤثر است. فرض کنید نظری بوده که خوب ممکن است هم مخالف داشته باشد و هم موافق. هفت تا از اعضای دادگاه انتظامی هم موافق بودند. اینها مؤثر خواهد بود. بی‌اثر نیست.

**آقای محسن هادوی:** جناب آقای مهرپور بفرمایید.

۱. منظورشان اداره‌ی حقوقی دادگستری است.

**آقای مهرپور:** حالا اینکه آقای دکتر افتخار می‌فرمایند و این مسئله‌ای که مماشائاً قبول می‌کنند و می‌فرمایند، یک مسئله‌ای است؛ ولی چیزی نیست که شورای نگهبان ملزم باشد که بنشیند و به این سؤال‌ها جواب بدهد. بنابراین من چون می‌دانم که قانون اساسی تحریف می‌شود اگر بخواند به‌عنوان تفسیر نه تا رأی اخذ نشود و به آن صورت [= نظر مشورتی] اعلام بشود، به هیچ وجه خودم را ملزم نمی‌دانم که در این جلسه شرکت بکنم و رأی خلاف یا غیرخلاف بدهم. چون مشورتی است و جزء کارهای ما نیست. اما اینکه آقای هادوی اصرار دارند، اگر واقعاً شما مصلحت می‌بینید که یک چنین چیزی هست که ما باید این کار را بکنیم و هفت رأی را هم بشود اعضای شورا بدهند و به آن صورت لازم‌الاجرا بشود و مصلحت مملکت هست و می‌خواهید این را یک‌جوری بمانساید، خوب یک مسئله‌ای است اگر قبول بکنند. ولی با این قانون اساسی به هیچ وجه جور در نمی‌آید. آخر ما در حد و مرز خودمان، تفسیر چه بکنیم؟! در اصل (۹۸) می‌گوید: تفسیر قانون اساسی به عهده‌ی شورای نگهبان است و با تصویب سه‌چهارم آنها انجام می‌شود.

**آقای محسن هادوی:** ما تفسیر می‌کنیم دیگر.

**آقای مهرپور:** تفسیر چه می‌توانیم بکنیم؟! شما مثلاً تفسیر بکنید که این اصل ناظر به تفسیر است و ما یک مواردی داریم که تفسیر نیست و تبیین است و آن وقت نه تا رأی نمی‌خواهد، سه‌چهارم نمی‌خواهد. از کجای این قانون اساسی شما درمی‌آورید که شما چنین وظیفه‌ای دارید و این حرفتان لازم‌الاتباع است. در مورد مجلس هم می‌گویید که نص است دیگر. در مورد [مصوبات] مجلس، [قانون اساسی] می‌گوید شما وقتی مصوبه‌ای را بررسی کردید، با اکثریت آرا بگویید مغایر است و جلوی‌ش را بگیرید و خودتان هم کار اثباتی نمی‌کنید. اما در اینجا می‌خواهید کار اثباتی بکنید و بگویید معنای قانون این است و این‌جوری جلو بروید. این قانون اساسی نمی‌گذارد شما با هفت رأی یک چنین کاری بکنید. اصلاً نمی‌توانید هم این تفسیر را بکنید. شما که نمی‌توانید تفسیر و اجتهاد در مقابل نص بکنید و معلوم هم نیست مصلحتی باشد که ما اینجا هفت نفرمان بنشینیم یک نظری بدهیم و آن وقت کار را حل بکنیم. اگر هم واقعاً آن چیزی که شما می‌گویید تفسیر نیست - حالا باز هم تکرار می‌شود - بالأخره یک چیزی است که بین دو نهاد اختلاف هست و به بن‌بست رسیده‌اند و نظر شما می‌تواند قاطع باشد؛ خوب

همان تفسیر می‌شود دیگر! آن وقت آن نه رأی را هم می‌خواهد. حالا دیگر من بیشتر بحث نمی‌کنم. فکر می‌کنم دیگر بیش از این نمی‌شود بحث کرد.

**آقای مهدوی کنی:** البته من دیگر بعد از بیان آقایان خیلی مطلبی ندارم. فقط این قدر هست که من هرچه فکر می‌کنم بین تبیین و تفسیر جدایی بفهمم، نمی‌فهمم. بالأخره اولاً اینجا تفسیر به معنای تفسیر قرآن نیست. حتی تفسیر قرآن هم یک معنای عامی دارد؛ یعنی وقتی که یک کسی می‌آید شرحی می‌دهد که مردم عادی نمی‌توانند آن شرح را بفهمند، [تفسیر کرده است]. بنابراین ما در اینجا یک بیانی می‌کنیم که مردم عادی نمی‌توانند آن را درک بکنند. متنها سؤالی که از ما می‌کنند، ممکن است اینجا این پیشنهاد بشود که خوب، مردم عادی بروند از یک عده حقوقدان بپرسند. آنها می‌توانند بفهمند. جوابش این است که آنها می‌خواهند ارجاع کنند به یک جایی که حجت داشته باشند و بیانی که آقای دکتر افتخار هم کردند که در مراجع قضایی حجت است، اولاً همه چیز مربوط به مراجع قضایی نیست و مربوط به قاضی نیست؛ بالأخره یک وزیری است که می‌خواهد ببیند ارجاع کند به داوری یا ارجاع نکند. مسائل مالی مملکتی است. به او می‌گویند آقا میلیاردها تومان را از بین برده‌ای به قولی که غیرحجت بوده است. خودت هم قاضی نبودی، اهل فکر نبودی که بگویی من استنباط کردم، ضمناً هم به استنباط بعضی از اهل نظر مثلاً تکیه کردم. مسائلی نیست که قضایی باشد. می‌خواهد به داوری ارجاع بدهد. موارد خیلی زیاد است. مثلاً الان می‌خواهد یک عده‌ای از اقلیت‌های مذهبی را استخدام بکند. بعد داد و فریاد بکنند که آقا تو رفته‌ای زرتشتی‌ها را آورده‌ای، مسیحی‌ها را آورده‌ای، می‌گویی من قضاوت کرده‌ام! اینها مسائلی نیست که چیز بشود. خلاصه باید به قانون تکیه بکند. کسی که به خصوص مجری است، باید تکیه به قانون بکند و قانون هم یعنی آنچه که حجت است. اگر قول ما حجت داشته باشد، برای او فایده دارد و اگر حجت نداشته باشد، فایده ندارد. ما هفت نفر را به‌عنوان کارشناس [می‌گوییم] و هیچ‌کس هم [در شورای نگهبان] به‌عنوان کارشناس تنها [اعتباری ندارد]. البته معلوم است ما کارشناسی هستیم که قولمان اعتبار دارد به‌جهت مقام رهبری یا مجلس؛ به این دو جهت به ما ارجاع می‌کنند و از هر کس بپرسی برای چه به شورای نگهبان ارجاع می‌کنی، می‌گویند به‌اعتبار افرادی که کارشناسند و قولشان حجت است و بعداً کسی بالای حرفشان

نمی‌تواند حرف بزند. خلافتش هم اگر درآمد، می‌گویند آقا شورای نگهبان است دیگر. این یک جهت. جهت دیگر اینکه من بین تبیین و تفسیر اصلاً فرقی نمی‌بینم. بالأخره هر چیزی که یک نحوه ابهامی دارد، می‌آیند از ما سؤال می‌کنند و ما را هم برای همان جهت مرجع کرده‌اند. لذا اگر نه تا رأی لازم است، هر دو را [مشمول] نه رأی بکنید.

**آقای محسن هادوی:** آقای صانعی بفرمایید.

**آقای صانعی:** یک جمله‌هایی دکتر هادوی داشتند که آقای دکتر مهرپور جواب دادند، منتها من جواب ایشان را روشن عرض می‌کنم. ایشان فرمودند نسبت به مغایرت، نص هست و ما در مقابل نص نمی‌ایستیم. نه، خوب این ... بعد خودشان این را جواب دادند. من عرض می‌کنم آن اولویت در اینجا نمی‌آید. ما در باب تفسیر، بالاولویه تمسک می‌کنیم. همین‌جور که ایشان [= آقای مهدوی کنی] فرمودند، اسمش تفسیر یا تبیین، به هر حال نه تا رأی می‌خواهد. اما در آنجا ما هفت تا رأی می‌دهیم به مغایرت و بعد هم که رفت، می‌رود و اصلاح می‌شود و دوباره قانون به اینجا می‌آید؛ ولی اینجا [در تفسیر] می‌خواهید بگویید این نیست و این هست، این را عمل کنید. به قول ایشان اینجا نظر اثباتی است. این اولویت ندارد. یعنی آنجا ما در مقابل دویست نفر [نماینده] قرار داریم، اما با هفت نفر خوابانده‌ایم و دوباره پا شده‌اند و رأی داده‌اند؛ ولی اینجا [در تفسیر] اگر می‌خواهید بگویید این [معنا] نه و این [معنا] آری، هیچ اولویتی نسبت به آنجا [= رد مصوبات مغایر با قانون اساسی] احساس نمی‌شود و من فکر می‌کنم بحث هم کافی باشد. در جواب این نامه‌ها به هیچ کجا نخواهید رسید. جواب نامه‌ها را هر کجا هفت تا رأی آورد، بنویسید نظر مشورتی است [و هر جا نه رأی آورد، بنویسید نظر تفسیری است]. و در غیر این صورت مشکل است [بخواهید جواب] بنویسید؛ مگر اینکه نه نفر تصویب کنند که هفت رأی هم بر حسب قانون اساسی حجت است. اگر باز نه نفر این را گفتند، که [نیازی به] آن هم نخواهد بود.

**آقای محسن هادوی:** عرض بنده را توجه نفرمودید. اگر به این ترتیبی که الان آقایان بحث می‌کنند باشد، فکر نمی‌کنم اصلاً مصلحت باشد که این سؤالات را مطرح بکنیم.

**آقای مهرپور:** چرا؟ ما ...

**آقای محسن هادوی:** اجازه بفرمایید، با این بیانی که آقایان می‌کنند که این نظر ما قانونی نیست و حتی ایشان [= آقای مهرپور] می‌فرمایند که بنده در این جلسات اصلاً شرکت

نمی‌کنم و الزامی نمی‌بینم، بنابراین وقتی که ما یک وظیفه‌ی قانونی نداریم، نمی‌توانیم وقت شورای نگهبان را برای یک وظیفه‌ی غیرقانونی بگیریم و آقایان را ملزم کنیم که حضور پیدا کنند. این آقایان تعهد داده‌اند که در حدود قانون اساسی در اینجا شرکت کنند، نه در هر مسئله‌ای که ما دلمان خواست مطرح کنیم و مثلاً کسی، یک کارمندی، یک سؤالی کرده، ما جواب بدهیم. بنابراین اگر به این ترتیب باشد، با توجه به اینکه اغلب جلسات ما اکثراً با نه یا ده یا یازده نفر است، خوب مریض داریم، مسافر داریم و فلان و اینها، بنابراین فکر نمی‌کنم که ما هیچ موردی را بتوانیم نه‌رأیی داشته باشیم.

**آقای مهرپور:** چند تا مورد برای شما بیاورم ...

**آقای محسن هادوی:** آن چیزهایی را که ما نه‌رأیی جواب داده‌ایم، جنبه‌ی تفسیری ندارد. ما به‌عنوان تبیین [نظر] دادیم. همان موقع هم که نه‌رأی آورده، نظردان نظر تفسیری نبوده، یعنی از این مسئله و از این رأی اراده‌ی تفسیر نکرده‌ایم. اگر اراده‌ی تفسیر داشتیم، ممکن بود اصلاً رأی ندهیم یا یک‌جور [دیگر] رأی بدهیم. ما اراده‌ی تفسیر نداشتیم و اگر اراده‌ی تفسیر بود و به‌عنوان تفسیر مطرح شده و رأی آورده باشد، این تفسیر باید چاپ و منتشر بشود. این باید ضمیمه‌ی قانون اساسی بشود.

**آقای مهدوی کنی:** اجازه بفرمایید من در جواب شما این مطلب را بگویم. اگر تفسیر باشد، یک مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود. اصلاً از دلایل اینکه این، کتاب خوانده نمی‌شود این است که این تفسیر نیست. اینکه نمی‌شود.

**آقای محسن هادوی:** نه آخر، تفسیر به‌معنای عرف قانون است.

**آقای صانعی:** ببینید، جلوی کار خیر را نباید گرفت؛ همین‌جا نسبت به قراردادهای سابق من فکر می‌کنم شش هفت تا رأی داریم که این قانون قراردادهای سابق را شامل نمی‌شود. بنویسید به آنها بدهند که کمکی برایشان باشد. [نظر] ارشادی است. آقا، این نظر مشورتی است، چه ضرری دارد؟

**آقای مهرپور:** الان نامه‌ی ارجاع به داوری را آن دفعه نوشته‌ایم، فرستاده نشده. الان هم آقای دکتر افتخار نامه را تهیه کرده.

**آقای رضوانی:** نظر اکثریت این است که نظر تفسیری نیست.

**آقای صانعی:** غیر این [= نظر تفسیری] است، نه‌رأی نمی‌آورد.

**آقای مهدوی کنی:** [نظری] که نه‌رأی آورده. شما اینجا نوشته‌اید.

**آقای افتخار جهرمی:** حتی این نه رأی را آورد.

**آقای صانعی:** کدام نه رأی آورده؟

**آقای افتخار جهرمی:** آن روز ننوشتند.

**آقای صانعی:** پس چطور تا حالا رد [= فرستاده] نشده؟!؟

**آقای افتخار جهرمی:** نه رأی را آورد، من یادم است.

**آقای آراده:** نه تا رأی از تفسیر است. تفسیرش هم هست دیگر!

**یکی از اعضا:** الآن این را بفرستید. این جواب را دوباره [مطرح] نکنید.

**یکی از اعضا:** نه تا رأی آورد.

**آقای محسن هادوی:** نیاورد. من احراز نکردم. آقای صانعی احراز کرده، باید [جواب] بدهد. من احراز نه رأی نکردم.

**آقای افتخار جهرمی:** «قراردادهایی که در سابق تعهد گردیده و در آنها شرط ارجاع به داوری در موقع بروز اختلاف شده است، در صورتی که قراردادهای مزبور توسط دولت جمهوری اسلامی ایران باطل نشده باشد و طرف خارجی به داوری مراجعه نماید، سازمان‌های دولتی ایران می‌توانند در داوری شرکت کنند و نیازی به کسب اجازه از مجلس شورای اسلامی ندارد.» این را نوشتیم.

**آقای صانعی:** الآن هم رأی بگیرید، رأی می‌آورد.

**آقای محسن هادوی:** حالا فعلاً این مسئله را بگذارید تا آقایان هم ببینند.

**آقای آراده:** گفتیم جواب دادنش هم برخلاف است. چون قبول ...

**آقای محسن هادوی:** کدام نه تا رأی؟! آن نه تا رأی کجا است؟!؟

**آقای افتخار جهرمی:** آقای صافی و آقای صالحی هم رأی دادند، آقای مهرپور هم رأی دادند. نه رأی آورد.

**آقای محسن هادوی:** آقا جان، از کجا [رأی] آورد؟! شما الآن بشمر.

**آقای آراده:** تصور نمی‌کنم نه تا رأی آورده باشد.

**آقای مهرپور:** اینها را یادداشت نمی‌کنید ...

**آقای محسن هادوی:** شما مدعی هستید. مدعی باید بیینه‌اش را بیاورد، دلیلش را بیاورد.

**آقای مهرپور:** حالا مدعی چند تا بیینه بیاورد؟

**آقای محسن هادوی:** حالا کو دو تا؟!؟



**آقای مهرپور:** چند تا بیّنه می خواهد؟

**آقای محسن هادوی:** آقای مهدوی که یادشان نیست، بنده که یادم نیست، آقای دکتر آراد که می گوید من مخالفم.

**آقای آراد:** من مخالفم.

**آقای محسن هادوی:** پس چه می گویی؟! پس نُه تا رأی کو؟! این سه تایش که اینجا الان حاضرند، می گویند نه!

**آقای آراد:** آقای صافی مثل اینکه با این موافق بودند. من مخالف بودم.

**آقای صانعی:** حالا می توانید برسید.

**آقای محسن هادوی:** والله این برای من محرز نیست.

**آقای صانعی:** ایشان [= رئیس بیمه مرکزی] اینجا استدلال کرد که او [= طرف خارجی قرارداد ما] آنجا [به داوری بین المللی] رفته و ما اینجا باید بمانیم تا [مجلس تصویب کند و] برویم. [در این مدت] هواپیماهایمان را در آنجا می گیرند.

**آقای مهرپور:** آقای صالحی هم بود. موافق بود.

**آقای مهدوی کنی:** آنجا ما ارجاع نکرده ایم. اصلاً اینجا ارجاع نیست.

**آقای صانعی:** قبول است.

**آقای محسن هادوی:** من نمی توانم این را بحث کنم.

**آقای صانعی:** تازه ما می دانیم که نمی توانیم [محکمه ی داوری تشکیل شده بر اساس قرارداد را] رد صلاحیت بکنیم.<sup>(۱)</sup>

## منابع:

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، ۱۳۹۲ ش.

---

۱. ادامه ی مذاکرات این جلسه در دست نیست. بر اساس مستندات موجود، شورای نگهبان در این جلسه به نظر تفسیری درباره ی اصل (۱۳۹) نرسیده است.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض  
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب  
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سابقه‌ای است.  
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال  
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت  
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir